

نقش اقتصاد خانواده در بزه‌دیدگی اطفال در افغانستان

دکتر اسدالله حسن‌زاده*

نجیب‌الله کاوش**

چکیده

حقوق جزا را به مثلث تشبیه کرده‌اند که یک رأس آن بزه، رأس دیگرش بزه‌کار و رأس سوم آن بزه‌دیده می‌باشد. اطفال به دلیل بی‌دفاع بودن‌شان بیش‌ترین آسیب را از بزه‌کاران متحمل می‌شوند. طفل در فقه به کسی گفته می‌شود که در محدوده معین سنی و بلوغ قرار داشته باشد. از دیدگاه حقوق مدون اکثریت کشورها، طفل به شخصی می‌گویند که سن هجده سال را تکمیل نکرده باشد. در قوانین افغانستان، با توجه به این که مرحله جنینی مورد حمایت قرار گرفته‌است، می‌توان از آن مرحله تا تکمیل سن ۱۸ سال را، طفل نامید. خانواده، نخستین محیط است که نیازهای روحی و جسمی انسان در آن تأمین می‌شود؛ بدان لحاظ در بزه‌دیدگی

اطفال نقش اساسی دارد. این تحقیق به دنبال شناخت عوامل اقتصادی خانواده در بزه‌دیدگی اطفال در افغانستان می‌باشد تا از این طریق کمکی به برنامه‌ریزان و خانواده‌ها شویم تا علل بزه‌دیدگی اطفال در کشور کاهش یابد. بر بنیاد یافته‌های تحقیق، اقتصاد خانواده در قالب: فقر اقتصادی خانواده، بی‌کاری و شغل والدین و کار اطفال که متأثر از سه عوامل دیگر است و در افغانستان روز افزون بوده، در بزه‌دیدگی اطفال نقش مهم دارد. پیشنهاد می‌گردد دولت به منظور اشتغال‌زایی و زودن زمینه‌های بی‌کاری والدین سیاست‌گذاری دقیق و علمی را روی دست گیرد تا یکی از علل بزه‌دیدگی اطفال را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، خانواده، اقتصاد، طفل، اطفال بزه‌دیده، نقش اقتصادی.

* دکتری جامعه‌شناسی

** ماستری حقوق جزا و جرم‌شناسی
(نویسنده مسؤل)

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و دارای ابعاد فیزیکی و روانی خاص خود که طبیعتاً همه این قابلیت‌ها در تربیت و رشد او مؤثر می‌باشد. کودک نیز تابع همین قاعده است و برای شناخت درست مفهوم و معیار کودکی و حقوق متناسب با رشد و شخصیت وی می‌باید همه ابعاد را در نظر گرفت. کودکان به دلیل عدم رشد و تکامل جسمی و روانی و وابستگی به غیر، همواره ممکن است در معرض آسیب‌های جسمی، روانی، عاطفی، اخلاقی و ستم‌های گوناگون حقوقی قرار گیرند. بنیاد این آسیب‌ها در جوامع جهان سوم نظیر افغانستان بیش‌تر از جانب خانواده‌ها و مخصوصاً ناشی از نابسامانی‌های اقتصاد خانواده‌ها است

دانشمندان، زندگی بشریت را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دوره مهم: طفولیت؛ جوانی و پیری، تقسیم نموده‌اند. گرچند دوره جوانی

از این میان، مهم‌ترین دوره بوده که آن را دوره بهار زندگی نیز تعبیر نموده‌اند، اما پیش از این دوره پراهمیت و با ارزش، دوره طفولیت وجود دارد. طفولیت، دوره حساس بحران‌های روحی، فکری و ذهنی است. پایه و اساس زندگی انسان می‌باشد. هرگاه دوره طفولیت دچار بحران‌های روحی، فکری و عملی گردد، کنترل دوران مابعد آن مشکل خواهد بود. از سوی این بحران‌ها، بزه‌دیدگی را بیش‌تر میسر می‌سازد. اطفال به دلیل وضع فیزیولوژیکی‌شان، یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند و در مقابل جنایت‌کاران مقاومت ندارند یا مقاومت کم‌تری از خود نشان می‌دهند. از جانی در کشورهای جهان سوم از جمله افغانستان نابهنجاری‌های اجتماعی کانون گرم بسیاری از خانواده‌ها را مخصوصاً از لحاظ اقتصادی از هم‌گسیخته‌اند. خانواده‌های با شرایط اقتصادی

تعاریف متعدد برای شناخت دقیق دوره طفلی نگاشته شده‌است.

۱-۱-۱. طفل در لغت

طفل یا کودک در لغت به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم‌سالی و خردسالی تعبیر شده‌است؛ بنابراین، صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است. (معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۶۲)، شش یا هفت سال اول زندگی کودک به عنوان دوران کودکی اول یا خردسالی شناخته می‌شود. (عمید، ۱۳۷۵، ص ۹۶۵)

۱-۱-۲. طفل از منظر فقها

در قرآن کریم، روایات و متون فقهی کلماتی مانند طفل، صبی، صغیر و... معادل با کلمه کودک می‌باشند. واژه دیگر مراق است؛ زیرا در تعریف مراق آمده است: «مقارباً للبلوغ» یعنی کسی که نزدیک به بلوغ است. در قرآن کریم درباره زمان شروع

غیرمناسب نقش غیرقابل انکار را در بزه‌دیدگی اطفالشان دارند. لذا در این تحقیق سعی می‌شود به این سؤال پاسخ بدهیم که نقش اقتصاد خانواده در بزه‌دیدگی اطفال در افغانستان چگونه است؟ و از این طریق کمکی به برنامه‌ریزان کشور و خانواده‌ها نمایم تا علل و عوامل بزه‌دیدگی اطفال در کشور کاهش یابد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم طفل

تعیین مرز سنی طفل، نوجوان، جوان و بزرگ‌سال یکی از الزامات تحلیل وضعیت اطفال می‌باشد. گرچند به ظاهر تعریف طفل از جمله مفاهیم بدیهی است. با آن‌هم در تعریف طفل باید تأمل صورت گیرد؛ چون با اندک اشتباه هزاران انسان بالغ، طفل و یا هزاران طفل در جمع انسان‌های بالغ قرار خواهد گرفت.

کودکی صراحتاً سخن خاصی بیان نشده است اما در برخی آیات لفظ «طفل» به کار برده شده (عاملی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۶۸) و روند خلقت انسان را مورد تأمل و توجه قرار داده است تا انسان‌ها در آن تعقل کنند. به نظر می‌رسد از دیدگاه قرآن آغاز کودکی زمان انعقاد نطفه است و از همین زمان آثار حقوقی و مدنی مربوط به کودک آغاز می‌شود. (طوفانی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

با توجه به مواردی که ذکر شد، قرآن کریم در رابطه به کودک، کودک را انسانی می‌داند که به حد بلوغ نرسیده باشد. مفهوم بلوغ در ادامه این بحث روشن خواهد شد. قریب به اتفاق فقها، طفل را کسی دانسته‌اند که به حد بلوغ نرسیده است و در تألیفات فقهی، سه طریق برای احراز بلوغ مقرر شده که عبارتند از: رشد جنسی، روییدن موی خشن در شرمگاه و رسیدن به سن پانزده سال تمام قمری برای

پسر و نه سال تمام قمری برای دختر؛ بنابراین از نظر شرعی، سن نتنها یک عامل قطعی تعیین کننده بلکه به عنوان اماره‌ای بر بلوغ دانسته شده است (مرعشی، ۱۳۷۱، ش ۴، ص ۵۹).

بر مبنای مشهور فقهاء، بلوغ پسر در پانزده سالگی و دختر در نه سالگی فرا رسیده و ورود به شانزده و ده سالگی موجب خروج شخص از احکام و مقررات مربوط به طفل خواهد شد (همان).

۳-۱-۱- طفل از منظر حقوق

از نظر علمای حقوق «طفل یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نموی جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد» (عبادی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵).

هر کشور با توجه به نظام حقوقی که دارند، در همه امور دارای قوانین و مقررات خاص می‌باشد. با مطالعه کتب و متون حقوقی در می‌یابیم که

کودکی یک دوره از عمر آدمی است که می‌بایست ابتدا و انتهای آن مشخص گردد؛ چرا که اثرات و احکام حقوقی بر آن مترتب است (سجادی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

قانون مدنی افغانستان مقرر می‌دارد: «شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام می‌یابد.» (قانون مدنی، ماده ۳۶) و نیز از حقوق جنین سخن به میان آمده است: «جنین دارای حقوق می‌باشد که قانون بر آن تصریح کرده است.» (همان) قانون احوال شخصیه نیز حکم نموده است: (۱) حمل و جنین، بعد از انعقاد نطفه دارای اهلیت می‌باشد، مشروط بر این که زنده متولد گردد. در صورتی اختلال در زنده یا مرده بودن حمل، باید زنده متولد شدن او ثابت گردد. (۲) حمل و جنین دارای حقوق ذیل است:

کشورهای مختلف تعاریف متفاوت از طفل ارائه نموده‌است. بسیاری از کشورهای جهان، کودک را کسی می‌دانند که هجده سال را تکمیل نکرده باشد. بعضی کشورها که تعدادشان کم است، کودک را انسانی می‌دانند که زیر سن ۲۱ سال باشد (پیوندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸).

در حقوق افغانستان، نیز طفل به کسی اطلاق می‌شود که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد. (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ماده ۴، کد جزا، ماده ۹۵). در حقوق جزا با مرتکبی که به سن هجده سالگی نرسیده است، برخورد متفاوتی می‌شود. بدین صورت که تا سن خاصی وی اصلاً هیچ مسئولیتی جزایی ندارد و از سن خاصی به بعد تا وقتی که به هجده سالگی برسد، تحت رژیم جزایی خاصی قرار می‌گیرد و باز نیز همانند بزرگسالان مجازات نمی‌شود (توحیدخانه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹).

۱. موصی له، قرار می‌گیرد، مشروط بر این که زنده متولد شود.
۲. مقرله، قرار می‌گیرد.
۳. موهوب له، قرار می‌گیرد.
۴. اسقاط او جایز نیست و بر سقط‌کننده دیه تعلق می‌گیرد.
۵. والدین او موظفاند که امراض او را در صورت امکان معالجه کنند.
۶. والدین نمی‌توانند برخلاف دستورات طبی عملی را انجام دهند که او معیوب به دنیا بیاید (قانون احوال شخصیه اهل تشیع، ماده ۵).

همچنان در مواد دیگر قانون مذکور نیز از طفل سخن به میان آمده است که محتوای متون گویا بیانگر آغاز کودکی از زمان انعقاد

نطفه می‌باشد (همان، مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶).

با مطالعه دقیق حقوق افغانستان درمی‌یابیم که کودک قبل از آن زمانی که متولد شود، یعنی در حالی که جنین است، نیز دارای حیات است و بدین جهت شایسته است که مورد حمایت قرار گیرد. بدین اعتبار شاید بتوان ادعا کرد که شروع کودکی در واقع از تاریخ انعقاد نطفه می‌باشد؛ زیرا از این زمان است که کودک به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر مورد توجه مقننین قرار گرفته و برای او حقوقی مقرر می‌گردد و ختم آن نیز تکمیل هجده سال می‌باشد (همان).

۲-۱. اطفال بزه‌دیده

شناخت اطفال بزه‌دیده ما را در رسیدن به هدف نزدیک می‌سازد. لذا در این گفتار اطفال بزه‌دیده را به معنای عام و خاص تحت بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲-۱. تعریف اطفال بزه‌دیده

اطفال بزه‌دیده از دو دیدگاه قابل بررسی هستند. ابتدا، همان‌گونه که بزرگسالان قربانی جرم واقع می‌گردند، کودکان نیز با آسیب‌پذیری بیش‌تر، آماج جرائم عمدی و غیرعمدی قرار می‌گیرند؛ اما برخی از جرائم تنها علیه کودکان واقع می‌شوند؛ بنابراین، کودک بزه‌دیده باید در دو معنای عام و خاص تعریف گردد.

۱-۲-۱-۱- طفل بزه‌دیده به معنای عام

با توجه به تعیین محدوده سنی کودک و نیز تعریف بزه‌دیده و دایره شمول آن، کودک بزه‌دیده در معنای عام «هر فرد زیر هجده سال است که بر اثر رفتار عمدی یا غیرعمدی که در قانون جرم است متحمل آسیب‌های از نوع جسمانی، روانی، عاطفی یا مالی گردد.» این تعریف بازگوکننده زوایای مختلف بزه‌دیدگی کودک نیست؛ زیرا کودکان به لحاظ آسیب‌پذیر بودن

شان، بزه‌دیدگی آنان در برخی از موارد متفاوت بوده و به این دلیل دایره جرم‌انگاری در جرائم علیه کودکان وسیع‌تر است (فوروارد، ۱۳۸۶، ص ۳۰).

۱-۲-۱-۲- طفل بزه‌دیده در معنای

خاص

اطفال به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های خاص جسمی و روحی نسبت به بزرگسالان و این که در مرحله رشد و تکامل بوده و نیازمند حمایت از سوی والدین و سرپرستان قانونی هستند، باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند. به همین منظور قانون‌گذار برخی رفتارها را که منجر به آسیب جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی کودک می‌شود و یا وضعیت اجتماعی و رشد وی را به مخاطره می‌اندازد، تحت عنوان سوءاستفاده از کودک و بی‌توجهی نسبت به وی یا همان کودک آزاری که غالباً توسط والدین، سرپرستان قانونی و یا کسانی که تربیت و نگهداری

کودکان به آن‌ها محول شده ارتکاب می‌یابد. جرم‌انگاری کرده و از این طریق کودکان را از حمایت‌های ویژه بهره‌مند می‌سازد (همان).

در بزه‌دیدگی خاض کودکان، اصولاً جرائم غیرعمدی و مالی مستثنی هستند و بیش‌تر سوءرفتارهای عمدی و بی‌توجهی‌های غیرمتعارف مورد توجه است (عباچی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).

بنابراین، کودک بزه‌دیده در معنای خاص: «فرد زیر هجده سال است که از سوی والدین، سرپرستان قانونی و کسانی که به نوعی مسئولیت تربیت، نگهداری، آموزش و پرورش کودکان را دارند مورد سوءاستفاده یا بی‌توجهی قرار گرفته و در پی آن، تمامیت جسمی، روانی، اخلاقی و هم‌چنین فرایند رشد وی مورد آسیب واقع شده است.» (همان).

۳-۱. اقتصاد

اقتصاد، در لغت به معنای میانه راه رفتن، میانه‌روی کردن، به اندازه خرج کردن، تعادل دخل و خرج را نگاه‌داشتن است (عمید، ۱۳۷۵، ص ۲۲۱)؛ اما در اصطلاح اقتصاد تعاریف زیادی به وسیله اقتصاددانان مختلف ارائه شده است که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

ارسطو اقتصاد را تدبیر منزل یا مدیریت خانه می‌داند. شاید تعریف ارسطو به این دلیل باشد که در دوران باستان، «خانواده» به عنوان نماینده واحد اقتصادی و مرکز فعالیت اقتصادی که اکنون غالباً از طریق «بازار» انجام می‌شود به شمار می‌رفت (تفضیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۳). بعضی از اقتصاددانان مانند آدم اسمیت اقتصاد را «علم ثروت» می‌نامند. به عقیده این گروه، اقتصاد، علمی است که تولید، مصرف و توزیع ثروت را بررسی می‌کند. بعد از اسمیت، دیوید ریکاردو هدف اساسی

علم اقتصاد را «توزیع ثروت» می‌داند و به توزیع، بیش‌تر از تولید اهمیت می‌دهد. بعد از ریکاردو، جان استوارت میل علم اقتصاد را «بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع» خواند ولی این تعریف به دلیل محدودیت‌های که داشت در اواخر قرن نوزدهم رد شد. آلفرد مارشال اولین اقتصاددانی است که مسئله رفاه را در علم اقتصاد مطرح کرد. او هدف اقتصاد را رفاه انسان و ثروت را وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف می‌دانست و معتقد بود که اقتصاد از یک طرف با مطالعه در مورد ثروت و از طرف دیگر با مطالعه درباره رفاه انسان سر و کار دارد و اهمیت مسئله دوم زیاده‌تر از اهمیت مطلب اول است. در مجموع، اقتصاد عبارت است از مطالعه رفتار انسان در جریان عادی زندگی یعنی کسب درآمد (همان ص ۱۴)؛ اما در این جا منظور از اقتصاد، نامتوازن بودن درآمد و عدم رفاه اقتصادی خانواده

به‌عنوان عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی اطفال می‌باشد.

۲. نقش اقتصاد خانواده

در این جا به‌طور مختصر به بعضی عوامل اقتصادی خانواده که به بزه‌دیده قرار گرفتن اطفال منتهی می‌شود، اشاره خواهیم کرد.

۲-۱. فقر اقتصادی خانواده

طبق برآورد برنامه جهانی غذا در مناطق توسعه نیافته جهان و در خانواده‌های که با گرسنگی مداوم مواجه‌اند، جنین‌های که در رحم مادر قرار دارند و نیز نوزادان و کودکان کم سن و سال، از سوء تغذیه رنج می‌برند. نتیجه این امر رشد ناقص و کاهش توانایی‌های جسمانی و روانی در یک نسل جدید است. نسلی که از نظر جسمی و روحی ضعیف است، محکوم به ادامه گرسنگی است. یک چنین نسل امکان‌رهایی از بند پدیده‌ای فقر را

نخواهد داشت (خراسانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹).

اطفال در خانواده‌ها برای رفع نیازهای مادی خانواده‌ها و برطرف کردن نیازهای اولیه خودشان به سوی اشتغال و کار کشیده می‌شوند و کم داریم اطفالی که در خانواده‌های از نگاه وضعیت مالی خوب باشند و از حیث استعدادهای ذاتی هم در حد مطلوبی باشند ولی در عین حال کار نکنند. کار از معضلات شمار زیادی از اطفال کشور ما می‌باشد. فقر شدید در میان بسیاری از خانواده‌ها، بی‌کاری روز افزون، بالا بودن هزینه‌های زندگی و پایین بودن در آمد خانواده‌ها و بی‌سرپرستی شماری از اطفال باعث می‌گردد تا افراد خانواده از جمله اطفال سعی کنند تا همگی کار داشته باشند تا چرخ خانواده آن‌ها بچرخند؛ بنابراین چنین خانواده‌ها مجبور هستند فرزندان‌شان را به کار

در اجتماع وادار کنند (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴).

همان‌طوری که به همه معلوم است، در کشور ما، جنگ، انتحار، عدم دسترسی کامل به مراکز صحتی، شیوع مریضی‌های صعب‌العلاج و فقر اقتصادی باعث شده که شماری از خانواده‌ها یکی یا چندی از اعضایش را که مسئولیت خانواده را عهده‌دار بوده، از دست بدهند. به همین دلیل مسئولیت خانواده به عهده اطفال سپرده شده‌است. اطفال نیز کار را یگانه راه حل برای نجات خود و فامیل دانسته و ناچار به انجام کارهای شاقه می‌پردازند. شواهد نشان می‌دهد که در افغانستان بسیاری از اطفال در خانواده‌های بی‌سرپرست زندگی می‌کنند؛ هم‌چنین تعداد زیادی از آن‌ها به دلیل معلولیت یا اعتیاد نان‌آور خانه مجبور به انجام کارهای شاقه می‌شوند (کمسیون حقوق بشر افغانستان، ص ۴۵).

بنابراین، فقر اقتصادی خانواده، یکی از عوامل مهمی است که اطفال را موضوع جرم قرار می‌دهد. در افغانستان اکثر خانواده‌ها با فقر شدید اقتصادی مواجه‌اند. به همین دلیل اطفال این خانواده‌ها مجبور به انجام کارهای شاقه می‌شوند تا از این طریق معیشت و مصارف فامیلشان را تأمین کنند.

۲-۲. کار اطفال

طوری که بیان شد، فقر خانواده‌ها باعث می‌شود که اطفالشان نیز به کار روی آورند که در کنار سایر عوامل محیط خانواده، عاملی دیگری در بزه‌دیدگی اطفال می‌باشد. در حالی که بر اساس قوانین و معاهدات ملی و بین‌المللی، کار کردن اطفال منع قرار داده شده‌است. قانون کار افغانستان، به اطفالی اجازه کار داده است که سن ۱۴ سالگی را تکمیل کرده باشد. (قانون کار افغانستان، ماده ۱۲۷)؛ و نیز بر

اساس قانون اساسی افغانستان، تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد (قانون اساسی، ماده ۴۹).

بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق اطفال: «دول طرف کنوانسیون باید حق طفل را در برابر استثمار و انجام هر کاری که می‌تواند مشقت بار باشد و یا با تحصیل طفل تداخل نماید، یا به رشد جسمی، ذهنی، روحی، معنوی و اجتماعی طفل ضرر برساند، به رسمیت بشناسد.» (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق اطفال)، همچنان مطابق اصل نهم اعلامیه جهانی حقوق کودک: «کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار حمایت شود.» (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق اطفال)؛ اما در کشور ما اطفال به دلایل مختلف به کارهای شاقه و دشوار وادار می‌شود. با این که کشور ما (افغانستان) عضویت کنوانسیون حقوق طفل را

در سال ۱۹۹۴ اخذ نمود و خود را مکلف به اجرا و تطبیق مفاد آن کرده است، در زمینه عملی کردن آن کارهای اساسی و بنیادین صورت نگرفته است. از شش میلیون کودک معروض به خطر، حدود ۱،۲ میلیون آن کودکانی‌اند که به کارهای شاقه می‌پردازند.

www.Unamanews.org/dari/index.php/news/articles
(۱۴۰۰/۳/۱۵)

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ تشکیل شد و مهم‌ترین اهداف این سازمان تدوین مقررات مربوط به شرایط کار و زندگی کارگران می‌باشد. این سازمان به کودکان نیز توجه نموده است. در مورد استعمار کودکان و ارتقاء سطح آگاهی عمومی نسبت به کار و تعیین حداقل سن کار کودک و کاهش شکاف بین استانداردها و معیارهای بین‌المللی و قوانین ملی و انجام مطالعات و تحقیقات مربوط به عواقب اقتصادی- اجتماعی کار

کودک پرداخته و هم فعالیت این سازمان بر برنامه بین‌المللی امضاء کار کودک متمرکز شده است (عراقی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۶۲).

این سازمان مقابله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های در خصوص اشتغال کار کودکان تصویب نموده است. افغانستان نیز به تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۴ میلادی شصتمین کشوری است که عضویت سازمان بین‌المللی کار را پذیرفته است و به عنوان عضو اصلی سازمان بین‌المللی کار تلقی می‌گردد. کشور ما، با آن که عضویت سازمان بین‌المللی کار را اخذ نموده و خود را مکلف به رعایت مفاد آن می‌داند، در قوانین ملی، خصوصاً در قانون اساسی و قانون کار که قبلاً نیز اشاره شد، کار اطفال را منع قرار داده است؛ اما به اساس آمار رسمی منتشر شده از سوی وزارت کار و امور اجتماعی در اوایل ماه جوزای ۱۳۹۳ بیش از شش میلیون کودک کارگر وجود داشت. (پیام

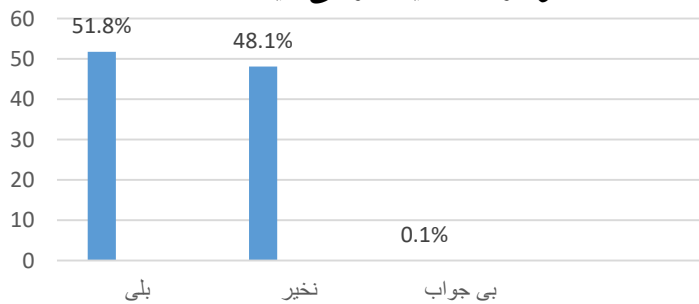
نشریه ارمغان ملی در یک گزارش (مروری بر وضعیت اطفال افغانستان) می‌نویسد: «اطفال در افغانستان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر می‌باشند. ۵۷ درصد نفوس افغانستان را افراد پایین‌تر از سن ۱۸ سال تشکیل می‌دهد و همین اکنون بیش‌ترین صدمه در شرایط کنونی به اطفال وارد شده‌است. ۶۰۰۰۰۰ طفل در شهر کابل مشغول کارهای شاقه هستند. ۶۵۰۰۰ طفل معتاد به موادمخدر بوده که با آمدن مهاجرین از کشورهای همسایه و بی‌کاری به تعداد آن افزوده می‌شود. ۲۰۰۰۰۰ طفل در اثر جنگ‌ها و ماین‌ها معلول و معیوب گردیده‌اند. در حدود ۱۰۰۰۰ طفل در پرورشگاه‌های دولتی و خصوصی تحت پوشش قرار دارند، در حالی که بیش‌تر از ۸۰ درصد آن‌ها یتیم نبوده و به اثر

مشکلات اقتصادی (فقر) به شیوه‌های مختلف شامل این پرورشگاه شده‌اند.» (ببرک زی، ۱۳۸۸، شماره ۴۵).

فصل اقتصاد

در تحقیق کمیسیون حقوق بشر افغانستان که در حدود ۴۱۶۶ کودک

نمودار (۱): آیا کار می‌کنید؟



الله کاورد

مورد مصاحبه قرار گرفته است، بیش از نصف آنان گفته‌اند که کار می‌کنند (پژمان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۰). هرچند کار اطفال از طرف کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه جهانی حقوق کودک و قوانین ملی افغانستان ممنوع قرار داده شده‌است، اما کودکان در افغانستان به کارهای شاقه و طاقت‌فرسا

مصروف‌اند. جنسیت اطفال کارگر، دلیل کار، محیط کاری نامطلوب، بیش‌ترین موارد کار و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۲-۱. جنسیت اطفال کارگر

به اساس گزارش تحقیقی کمیسیون حقوق بشر افغانستان، اشتغال دختران و پسران در کارهای مختلف متفاوت بوده است به طور نمونه: اکثریت اطفال قالین‌باف دختر هستند. (۷۳,۹٪ دختر در مقابل ۲۶,۱٪ پسر). هم‌چنین در کارهای خانه دختران بیش از پسران نقش داشته‌اند. (۷۷,۱٪ دختر و ۲۲,۹٪ پسر)؛ اما در سایر کارها چون کارهای ساختمانی، کار در بازار و دکان، دست‌فروشی، جمع‌آوری اشیاء از کوچه و خیابان، پسران اکثریت را تشکیل می‌دهند.

البته در اجرای این نوع کارها نیز دختران حضور داشته‌اند. به گونه‌ای که ۸,۳ درصد از اطفالی که

به کارهای ساختمانی مصروف بوده‌اند، ۱۶,۷ درصد از دست‌فروشان و ۳۴,۲ درصد از اطفالی که از کوچه و خیابان زباله جمع می‌کرده‌اند، دختران بوده‌اند. اکثریت این دختران به طور مقطعی یا دائم از تحصیل بازمانده‌اند (کمیسیون حقوق بشر افغانستان، پیشین، ۱۳۸۷، ص ۹).

۲-۲-۲. دلیل کار اطفال

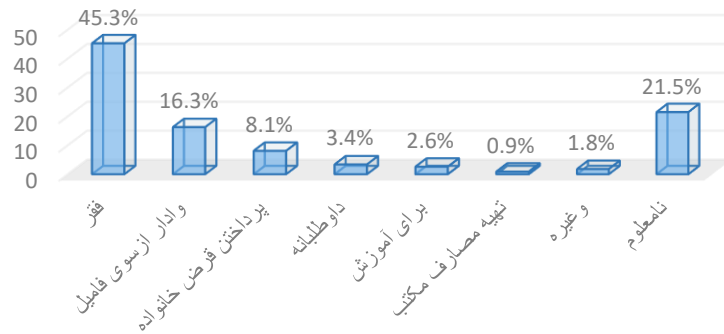
در رابطه به علت شناسی کار اطفال، علل و عوامل فراوانی به نظر می‌رسند. پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها، پیری و از کار افتادگی والدین، مرگ والدین، عدم پرداخت هزینه تحصیلی اطفال توسط والدین، عدم حضانت یا سوء حضانت اطفال به ویژه پس از جدایی والدین از یک دیگر از جمله عوامل خانوادگی محسوب می‌شوند که باعث روی آوردن اطفال به فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد.

البته ریشه تمام عوامل خانوادگی فوق‌الذکر به مشکلات اقتصادی (فقر و نیازهای مادی) خانواده‌ها بر می‌گردد. هرگاه این موضوع بیش‌تر توضیح داده شود، اطفال برای رفع نیازهای مادی خانواده‌ها و برطرف کردن نیازهای اولیه خودشان به اشتغال و کار کشیده می‌شوند و کم‌داری اطفالی که در خانواده‌های از نگاه وضعیت مالی خوب باشند و از حیث استعدادهای ذاتی هم در حد مطلوبی باشند ولی در عین حال کار نکنند. کار از معضلات شمار زیادی از اطفال کشور ما می‌باشد. فقر شدید در میان بسیاری از خانواده‌ها، بی‌کاری روز افزون، بالا بودن هزینه‌های زندگی و پایین بودن در آمد خانواده‌ها و بی‌سرپرستی شماری از اطفال باعث می‌گردد تا افراد خانواده از جمله اطفال سعی کنند، کار داشته باشند تا چرخ خانواده آن‌ها بچرخد؛ فلذا چنین

خانواده‌ها مجبور هستند فرزندانشان را به کار در اجتماع وادار کنند (جمال بیگی، پیشین، ص ۱۴۴) حدود ۵۱,۸ درصد کودکان به نحوی کار می‌کنند، از این میان ۴۵ درصدشان به دلیل فقر اقتصادی مجبور به کار شده‌اند. علاوه‌بر این که: «در سطح جهان حدود ۱,۵ درصد انسان‌ها، شب‌ها گرسنه می‌خوابند و ۱,۳ درصد شاغلان نیز در آمدی کم‌تر از آن دارند که بتوانند به صورت بخور و نمیر زندگی نمایند.» (صبور غیور، ۱۳۷۷، ترجمه غلام علی سرمد، ش ۳۱، ص ۱۷۶-۱۷۷) یکی دیگر از عوامل کارگر شدن اطفال، بی‌کاری است. با این توضیح که علاوه بر بی‌کاری‌های آشکار و پنهان، «افزون بر ۲,۳ نیروی‌های انسانی شاغل در فعالیت‌های اقتصادی نیز تنها بخشی از درآمد هر سال را کار می‌کنند.» (صبور غیور، پیشین، ص ۱۷۸)

افزایش جمعیت نیز دلیل برای این جمعیت بزرگ، یکی از

نمودار (۲): دلیل کار اطفال



عمده‌ترین عواملی است که در نهایت منجر به کارگر شدن اطفال خواهد شد.

به طور خلاصه دلایل کار اطفال را در یک گراف که توسط کمیسیون حقوق بشر افغانستان تحقیق شده‌است به گونه زیر نشان می‌دهیم.

۳-۲-۲. کارهای شاقه

کار شاقه، کارهای است که به لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک باشد و مانع از رشد مادی

دیگر است. در حال حاضر کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیاست. بر اساس آمارهای اداره مرکزی احصائیه، حدود ۵۵ درصد مجموع نفوس این کشور زیر سن ۲۰ سال قرار دارند و بیش از ۴۶ درصد مجموع نفوس مجموعی کشور را اطفال زیر سن ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. (اداره مرکزی احصائیه افغانستان، سالنامه احصائیه ۱۳۹۰، ص ۶)، عدم برنامه‌ریزی‌های دقیق و بنیادی

و معنوی طفل گردد و حقوق مسلم او را ضایع سازد. به عنوان مثال باعث محروم ساختن وی از حق صحت، آزادی، تعلیم و بازی شود. همچنان اطفال کار به اطفالی گفته می‌شود که برخلاف مقتضای سن خود به کارهای جدی بزرگسالان اشتغال دارند و به طور مرتب روزانه یا شبانه مانند یک شخص بزرگسال مشغول کاراند و از آن طریق کسب درآمد می‌کنند. (کمیسیون مستقل حقوق بشر «گزارش تحقیق ملی»، پیشین، ص ۱۱)، تعداد زیادی اطفال کارگر در کشور ما، مصروف کارهای شاقه و طاقت‌فرسا در آب و هوای بسیار گرم یا بسیار سرد می‌باشند. مسؤولان وزارت امور داخله، تعداد اطفال را که در سراسر کشور به کارهای شاقه مصروف‌اند دو میلیون و هفت صد هزار تن گزارش داده است. هم‌چنین به گزارش خبری تلویزیون «طلوع نیوز» در روز حمایت از کودک، تعداد اطفال را که به کارهای شاقه

حتی مخاصمات مسلحانه مصروف‌اند، به بیش از دو میلیون کودک عنوان کرد. (گزارش خبری، تلویزیون طلوع نیوز، ۱۳۹۴/۴/۲۲، ساعت ۸ شب). این ارقام در حال گزارش می‌شود که طبق قانون کار، کارهای شاقه و خارج از توان اطفال کاملاً ممنوع می‌باشد و در آن چنین تصریح گردیده است: «استخدام زنان و نوجوانان به کارهای فیزیکی ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی جواز ندارد.» (قانون کار ماده ۱۲۰)

یونیسف، کارهایی که جنبه استثمارگرایانه دارند چنین برشمرده‌اند: کار تمام‌وقت در سن بسیار کم، کار به مدت طولانی، کاری که فشار نامناسب جسمی، اجتماعی و روانی داشته باشد، کار و زندگی در سرک‌ها و در شرایط نامطلوب، کار با مزد ناچیز، کار با مسئولیت بیش از حد، کاری که مانع تحصیل طفل شود، کاری که شرف و عزت نفس کودکان را به خطر

بیندازد مانند بردگی یا کار مقید یا بهره‌کشی جنسی، کاری که برای رشد کامل اجتماعی و روانی زیان‌آور باشد. (قانون کار، ماده ۱۲۰).

بر اساس قانون کار افغانستان، اداره نمی‌تواند اطفال را به اجرای کار شبانه توظیف کند. (همان) اما خلاف آن‌چه که در قانون داریم، بسیار زیاد به نظر می‌رسد که اطفال در هتل‌ها و شرکت‌های خصوصی و ... از روی شب مصروف کار اند.

پس با توجه به نوعیت کارهای اطفال، سن اطفال کارگر و مدتی را که روزانه به کار می‌پردازند، کار بیش‌تر این اطفال شاقه می‌باشد.

۴-۲-۲. مصادیق کار اطفال

واضح است، در افغانستان شرایط کاری باعث شده که کودکان برای ادامه زندگی‌شان به کارهای شاقه و سنگین رو آورند و در مقابل کم‌ترین مزد را دریافت کنند. چنان‌چه در

دلایل کار اطفال متذکر شدیم، کارهای را که بزرگ‌سالان انجام می‌دهند، همان کارها را اطفال در بدل مزد پایین انجام می‌دهند. کودکانی که توانایی کاری کم‌تر دارند، یا زمینه کار برایشان وجود ندارند، به گدایی، اسپندگری و دست‌فروشی به کوچه و بازار رو می‌آورند. سازمان بین‌المللی کار^۱ مشاغل را که اطفال عموماً به آن‌ها می‌پردازند، چهار مورد عنوان نموده است: «کار بردگی، کار کشاورزی، کار ساختمانی و کار در خیابان‌ها» (بیگی، پیشین، ص ۱۴۳).

در افغانستان کارهای شاق‌های که اطفال انجام می‌دهند، مشمول: (کار در معادن، گدایی سازمان‌یافته، رنگ‌مالی، کار به عنوان محافظ یا بادی‌گارد، گازفروشی، چوپانی، کراچی‌وانی، دهقانی، باغبانی و مالداري، جوالی‌گری، چوب‌شکنی، کارهای تنظیفی، کالا‌شویی،

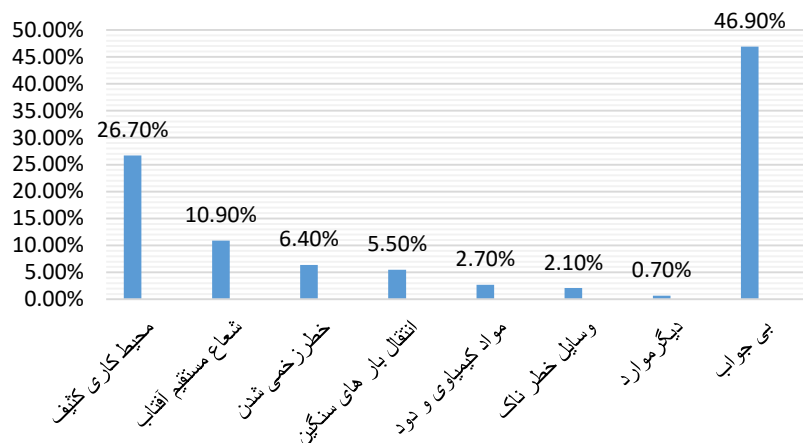
موترشویی، زرشویی، مزدورکاری، کفاشی، شاگردی هتل، رستوران، نانوائی، مستری‌خانه، فلزکاری، کار در کره خشت‌پزی، نجاری، حلبی‌سازی، دست‌فروشی، بوت‌پالشی، قالین‌بافی، گدایی، جمع‌آوری همیزم و علف، جوشکاری و آهنگری، جمع‌آوری میوه‌های درختان، آب‌فروشی، آب‌کشی، زباله‌گردی، پروسس موادمخدر، فروش مواد مخدر، کار در مزارع کوکنار و نیش‌زنی، آسیاوانی، شاگردی موترهای مسافربری، کار در شب، بنایی و معماری، بولانی‌فروشی، آیسکریم‌فروشی، اسپندی، قطع کردن درختان، کار در کارخانه‌های صنعتی، مهاجرت‌های غیرقانونی برای کار در بیرون از کشور، خیاطی، بردگی جنسی، کار در گروه‌های مافیایی و تروریستی) می‌باشد. (کمیسسیون مستقل حقوق بشر، پیشین ص ۶۴ و ۶۵)

۵-۲-۲. محیط کار نامطلوب

علاوه بر این که اطفال به کارهای شاقه و مختلف مصروف‌اند، محیط کاری نیز برای آن‌ها نامساعد بوده و از این ناحیه با دشواری‌های اساسی مواجه‌اند. تعداد زیادی از اطفال کارگر با عوامل خطرزا در محیط کاری رو به‌رو اند. محیط کاری مصون یکی از ضرورت‌های اولیه کار محسوب می‌شود؛ اما وضعیت کنونی اطفال کارگر در کشور نشان می‌دهد که شرایط نامطلوب کاری از تهدیدهای جدی است که اطفال از آن رنج می‌برند. محیط کثیف، شعاع مستقیم آفتاب، خطر زخمی شدن، انتقال بارهای سنگین، مواد کیمیاوی دود، شب کاری و وسایل خطرناک از جمله موارد است که اطفال در محل کارشان آن را متحمل می‌شوند.

نمودار زیر نشان می‌دهد که حقوق بشر افغانستان، پیشین، ص
اطفال در معرض شرایط کاری (۸۰).

نمودار (۳): محیط کاری نامطلوب



۲-۲-۶. پیامدهای کار اطفال

قبلا گفته شد که تعداد زیادی از اطفال کشور ما مصروف کارهای مختلف‌اند. بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت، کار بالای اطفال تأثیر می‌گذارد. کار دو نوع پیامد مثبت و منفی در بر دارد. البته پیامدهای مثبت کار اطفال در مقایسه با پیامدهای منفی آن خیلی کم است

نامطلوب قرار دارند. (پژمان و همکاران، پیشین، ص ۳۶)
همچنان پرسش که از تعداد ۶۵۱ طفل کارگر از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد صحت بودن محیط کاری‌شان انجام شده، تعداد ۴۰۴ نفر محیط کارشان را غیرصحتی و تعداد ۲۴۷ نفر آنها صحتی دانسته‌اند. (کمیسیون مستقل

و بر همین مبنا است که استفاده از نیروی کار اطفال جرم تلقی گردیده و قانون‌گذار در مقام حمایت از اطفال بزه‌دیده کارگر برآمده است. (بیگی، پیشین، ص ۱۴۸)، شاید سؤال بر انگیز باشد که کار برای اطفال چطور می‌تواند اثر مثبت داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت که در این جا منظور از اثرهای مثبت کار اطفال بر خانواده و جامعه (تقویت بنیه مالی خانگی و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه) نیست، بلکه مقصود، پیامدهای مثبت اشتغال، بر روی خود اطفال کارگر می‌باشد. با این توضیح که از نقطه نظر روان‌شناختی، اشتغال اطفال اثرهای مثبت چندی بر روی اطفال باقی می‌گذارد.

از جمله آثار مثبت کار و اشتغال اطفال می‌توان به «الگوی ایثار» اشاره کرد. اطفال کارگر در بزرگسالی معمولاً از اعتماد به نفس بیش‌تری برخوردار می‌شوند. به

خاطر این که روابط اجتماعی را به شکل حرفه‌ای خیلی زود شروع کرده‌اند و زود ازدواج کرده به استقلال مالی می‌رسند، فلهمذا بهتر از کسانی که تازه بعد از تمام شدن مکتب و دانشگاه شروع به کار می‌کند، از پس کارشان بر می‌آیند. دیگر از آثار مثبت کار اطفال «درک و سرعت بیش‌تر» است. اطفالی که از کودکی کار کرده‌اند به دلیل داشتن تجربیات بیش‌تر که بر پرورش هوش کمک می‌کند از تیزی و درک بیش‌تری برخوردارند. (بیگی، همان).

همه کارهای را که اطفال انجام می‌دهد لزوماً زیان‌آور نیستند. چنان‌چه اطفال کارگر در محیط آرام و پرورش‌دهنده به همراه والدین خود، تحت حمایت یک سرپرست به سر ببرند و بتوانند از جامعه‌پذیری و تحصیلات و آموزش حد اقل غیررسمی برخوردار شوند، نمی‌توان گفت که این اشتغال بر اطفال

پیامدهای منفی دارد، چنانچه تعداد زیادی اطفال کارگر، هم‌زمان با کار و اشتغال مصروف تعلیم و تحصیل نیز می‌باشند. هرچند این امر می‌تواند از فرصت‌های تکمیلی تحصیلات ابتدایی بکاهد.

بر اساس بند اول ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک نیز مطلق کار اطفال منع نگردیده، بلکه اشتغال به کارهای منع گردیده که برای اطفال کارگر زیان‌بار بوده و یا توجعی در آموزش آنان ایجاد نماید و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد. (حضرتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸) در ضمن کار اطفال در افغانستان پیامدهای منفی را ایجاد می‌نمایند که در ذیل به موارد از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۶-۲. پیامدهای جسمی

معلولیت جسمی، یک مقوله بسیار گسترده است که کاهش قد و وزن، بیماری‌های دهان و دندان،

بیماری‌های چشم، بیماری‌های دستگاه تنفسی، بیماری‌های قلبی، بیماری‌های گوش و حلق و بینی، بیماری‌های پوست، بیماری‌های گوارشی، مشکل کم‌بود حافظه، مشکلات یادگیری، کم‌کاری ذهنی، کم‌بود کنج‌کاوی، کم‌بود شناخت محیط و مشکلات گفتاری را شامل می‌شود که بنا به برخی از گزارش‌های علمی در اطفال مشغول به کارهای شاقه، این عارضه‌ها مشاهده شده‌است (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۲۳).

بر اساس گزارش که در سال ۱۳۹۲ توسط کمیسیون حقوق بشر در باره وضعیت اطفال منتشر شده‌است، ۲۹ درصد از اطفالی که گرفتار کارهای شاقه بوده‌اند، سلامتی جسمی خود را از دست داده و دچار معلولیت شده‌اند. این میزان معلولیت حدود چهار فیصد معلولیت کل اطفالی را تشکیل می‌دهد که در گزارش یاد شده مورد مطالعه قرار

گرفته‌اند. این در حالی است که سی و چهار درصد از این اطفال حاضر نشده‌اند که دلیل معلولیت خود را ابراز کنند (پژمان و همکاران، پیشین، ص ۱۴۸-۱۴۹)

۲-۲-۶-۲. پیامدهای روانی

پیامدهای روانی، بخشی از پیامدهای کار اطفال را تشکیل می‌دهد که مانند پیامدهای جسمی بیش‌تر جنبه فردی دارد. بر اساس اطلاعات به دست‌آمده از تحقیقات به عمل آمده، پیامدهای روانی یک دسته از پیامدهای است که نباید از آن غافل شد. به وجود آمدن حس حسادت، خشونت، انتقام‌جویی، بی‌ثباتی و بی‌قراری، بی‌اعتمادی به دیگران، بدبینی و منفی‌گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس، از بین رفتن خلاقیت، ضعف هوشی از جمله پیامدهای روانی کارهای اطفال‌اند. (میرک‌زاده و همکاران، پیشین، ص ۵۲۴)

۳-۶-۲-۲. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

هرچند که در ظاهر کارهای اطفال از پیامدهای فردی برخوردارند؛ اما از آن جهت که افراد اجزای اصلی تشکیل‌دهنده جامعه‌اند و رفتارهای آنان در کلیت خود بر چگونگی نظم اجتماعی تأثیر می‌گذارند، این پیامدها در سطوح اجتماعی و فرهنگی نیز خود را نشان خواهند داد (کمیسیون مستقل حقوق بشر «گزارش تحقیقی ملی»، پیشین، ص ۹۵).

اطفال کارگر در اثر پیامدهای جسمی و روانی، دچار ناسازگاری شخصیتی می‌شوند و از این طریق ممکن است، دست به انجام رفتارهای غیرنرمال بزنند و در نهایت هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه را نادیده بگیرند. این مطالعات از موارد چون: پرخاشگری و خشونت، سرقت و دزدی، خرید و

فروش مواد مخدر، تخریب اموال عمومی، بی‌توجهی به حقوق دیگران، مشکل در برقراری ارتباط با دیگران و تمایل به بزه‌کاری نام برده‌اند. (میرکزاده و همکاران، پیشین، ص ۵۲۶).

یافته‌های تحقیق ملی کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می‌دهد که برخی از پرسش‌شوندگان که به لحاظ تعداد و فیصدی، بیش‌تر از سایر دسته‌هاست، مقوله‌های چون محرومیت از تحصیل و احساس کمتری نسبت به کودکان هم‌سن‌وسال خود را انتخاب کرده‌اند. براساس اظهارات نمایندگان هرات در تحقیق متذکره، در سال ۱۳۹۶ در سطح ولسوالی‌ها، تعداد ۳۲۰۰۰۰ طفل واجد شرایط مکتب از تحصیل محروم‌اند که ۷ الی ۱۲ سال سن دارند. همچنان در این سال در ولایت هرات ۱۱۰ قضیه، در ولایت دایکندی ۶۸ قضیه، در ولایت خوست ۲۲ قضیه و در ولایت هلمند

۶ قضیه از تخلفات اطفال به ثبت رسیده‌است. همچنین در ولایات تخار نیز قضایای زیادی از فعالیت‌های خرابه‌کارانه و سوءاستفاده از اطفال وجود داشته‌است که به جزئیات آن اشاره نشده‌است. این قضایا در مورد تخلفاتی مانند قتل، حادثه ترافیکی، کیسه‌بری، فرار از منزل و سرقت بوده‌اند (کمیسیون مستقل حقوق بشر «گزارش تحقیقی ملی»، پیشین، ص ۹۶).

نتیجه‌گیری

اطفال به دلیل ساختار درونی و جسمی و وضع فیزیولوژیک‌شان در مقابل بزه و بزه‌کار از خود مقاومت کم‌تری نشان می‌دهد، اما آن‌چه که مهم است عواملی بیرونی است که در بزه‌دیدگی اطفال نقش دارند. خانواده اولین و با دوام‌ترین محیط است که انسان از آن شخصیت خویش را فرا می‌گیرد اما نابسامانی‌ها و نا

هنجاری‌های همین محیط می‌تواند فرایندی دشواری را مخصوصاً برای اطفال برپا نماید. یکی از ناسازگاری‌ها، مشکلات اقتصادی خانواده است.

در افغانستان، بی‌کاری روز افزون باعث شده است که اطفال زیادی از خانوادها مشغول به کار شوند و از تحصیل و سایر حقوق خویش محروم شوند. کارهای که اطفال انجام می‌دهند حاصل و دست‌مزد بسیار اندک دارد و بدتر از آن این که شرایط بسیار سخت و ناامن بر آنها حاکم است.

به طور کل می‌توان گفت که: دولت افغانستان در زمینه حمایت از اطفال با مشکلات فراوانی رو به‌رو بوده و با وجود دست‌آوردهای قابل تأمل، نتوانسته از این معضلات عبور کند. برای عبور از این معضلات باید اطفال مورد حمایت و توجه جدی دولت قرار گیرند و قوانین حمایتی و سیاست‌های عملی در رابطه به

فقرزدایی و شغل‌زایی روی دست گیرند تا به نحوی از بزه‌دیدگی اطفال جلوگیری نماید.

منابع

حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷.

ترکمنی، نسرین، (۲۰۰۸)، گزارش تحقیقی از وضعیت اطفال در افغانستان، کابل، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر.

تفضیلی، فریدون، (۱۳۸۱)، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، تهران، سوم، نشر نی.

توحیدخانه، محمدصدر، (۱۳۸۸)، رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان، سوم، وزارت خارجه فدرالی آلمان، با اصطلاحات.

حضرتی، غلام دستگیر، عبدالحق، (۱۳۸۲)، آموزش حقوق طفل، کابل، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

خراسانی، عابد، محمود، رضا، (۱۳۸۲)، درآمدی بر حقوق کودک، مطالعه تطبیقی، در نظام ملی و بین‌المللی، اول، تهران، نشر میزان.

الف) کتابهای فارسی

اداره مرکزی احصائیه افغانستان، (۱۳۹۰)، سالنامه احصائیه.

بیگی، جمال، (۱۳۸۴)، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، اول، تهران، نشر میزان.

ببرکزی، نجیب‌الله، (۱۳۸۸)، مروری بر وضعیت اطفال در افغانستان، سال پنجم، شماره ۴۵.

پژمان، اسدالله، سرآمد، محمدحسین، حسرت، محمدحسین، (۱۳۹۲)، وضعیت اطفال در افغانستان، کابل، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر.

پژمان، اسدالله، عابد، عبدالله، (۱۳۹۴-۱۳۹۵)، وضعیت اطفال در افغانستان، کابل، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر.

پیوندی، غلام‌رضا، (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی معیار کودکی».

ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، هشتم، تهران، انتشارت آوای نور.

سجادی، سید انور، (۱۳۹۴)، «مسئولیت کیفری کودک در حقوق کیفری افغانستان»، دوفصل‌نامه علمی - تخصصی، سال چهارم، ش ۸. طوقانی پور، فائزه، (۱۳۹۲)، جرائم والدین و سرپرستان قانونی علیه کودکان «در نظام حقوقی ایران»، اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع). عباچی، مریم، (۱۳۸۴)، «رهنمودهای حقوقی کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده»، شماره ۵۲ و ۵۳.

عبادی، شیرین، (۱۳۷۵)، حقوق کودک «نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران»، ج ۱، چهارم، تهران، انتشارات کانون.

عبدالله، نظام الدین، (۱۳۹۱)، شرح قانون مدنی (حقوق اطفال)، کابل، انتشارات سعید.

غیور، صبور، (۱۳۷۷)، «اشتغال کودکان یا محرومیت از حق طبیعی تعلیم و تربیه»، ترجمه غلام علی سرمد، مجله نامه فرهنگ، ش ۳۱. کافی، مجید، (۱۳۸۵)، مبانی جامعه‌شناسی، اول، تهران، انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی.

کمیسیون مستقل حقوق بشر، (۱۳۹۶)، عوامل و پیامدهای ناگوار کار شاقه اطفال در افغانستان (گزارش تحقیقی ملی)، کابل، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر.

مرعشی، سید محمد حسن، (۱۳۷۱)، «تحقیق درباره سن بلوغ، مجله قضایی و حقوق دادگستری جمهوری اسلامی ایران»، ش ۴.

معین، محمد، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، ج ۲، هشتم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.

میرکزاده، علی اصغر، همکاران، (۱۳۹۵)، «شناسایی آسیب‌های پیش‌روی کودکان کار روستایی در فعالیت‌های کشاورزی»، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۳.

(ب) کتاب عربی

جبلی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، (۱۳۷۳)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه فی شرح الدمشقیه، ج ۷، هشتم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

(ج) قوانین

قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۸۱۸، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۸۸، مصوب ۸ دلو ۱۳۸۲.

قانون احوال شخصیه اهل تشیع، جریده رسمی شماره ۹۸۸، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۸۸، مصوب ۱۹ دلو ۱۳۸۷.

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، جریده رسمی شماره ۹۴۴، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۸۸، مصوب ۳ حمل ۱۳۸۴.

قانون کار، جریده رسمی شماره ۸۶۶، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۸۷، مصوب ۱۰ میزان ۱۳۸۷.

قانون مدنی، جریده رسمی شماره ۳۵۳، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۸۸، مصوب ۱۵ جدی ۱۳۵۵.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، سوم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.

کد جزا، جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۹۶، مصوب ۱۴ حوت ۱۳۹۵.

(د) کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ از نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

کنوانسیون حقوق اطفال، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ از نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

ی) سایت‌های اینترنتی پیام آفتاب، سه شنبه ۳۰ جدی ۱۳۹۳،
[www.payamAftabNews](http://www.payamAftabNews.Network)
.Network

دفتر سازمان ملل متحد (یوناما)، نگرانی از وضع کودکان کار در افغانستان، جوزای ۱۳۹۲،
[www.Unamanews.org/d](http://www.Unamanews.org/dari/index.php/news/arti)
[ari/index.php/news/arti](http://www.Unamanews.org/dari/index.php/news/arti)
.cles

